

# The Effects of Child-Parent Interaction-Based Play on Anger, Anxiety, and Cognitive Emotion Regulation in Aggressive Students

Hejrani Diarjan H<sup>1</sup>, \*Shahriari Ahmadi M<sup>1</sup>, Esteki M<sup>1</sup>, Sepahmansour M<sup>1</sup>, Salehi M<sup>1</sup>

**Author Address**

1. Department of Exceptional Children and General Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

\*Corresponding Author's Email: [mansure\\_shahriari@yahoo.com](mailto:mansure_shahriari@yahoo.com)

Received: 2020 January 7; Accepted: 2020 April 8

**Abstract**

**Background & Objectives:** Aggression is a major problem in the education of children and it has become very difficult to control. Additionally, aggressive students present high anxiety levels. Anxiety in these students creates unhappiness and could cause concerns. Furthermore, the lack of emotional adjustment threatens aggressive students' self-esteem. Cognitive emotion regulation could affect emotional-driven processes, cognitive processing procedures, as well as emotional and cognitive development. Playing is essential in therapy. The emotional relationship between parent and child is critical in the play process. Besides, with play, parents could even provide therapeutic advantages for their children. The present research aimed to explore the effects of the application of play based on child-parent interaction on anger and anxiety in aggressive students.

**Methods:** This was a quasi-experimental study with a pretest-posttest and a control group design. The study sample consisted of 32 aggressive students (n=16 per experimental & control groups). They aged from 9 to 13 years and were students of third to seventh grade in the elementary schools of Tehran City, Iran, in the academic year of 2018-2019. The study participants were requested to complete the Children's Inventory of Anger (ChIA) (Nelson & Finch, 2000), the Spence Children's Anxiety Scale (SCAS) (1998), and the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ; Garnefski et al., 2001). Parent-Child interaction-based game sessions were provided based on the Corresponding Practical Guide (Bratton & Landreth, 2005). In total, 12 sessions of 90 minutes were held for the experimental group. The obtained data were analyzed by SPSS using multivariate analysis of covariance (MANCOVA) and one-way analysis of covariance (ANCOVA). The significance level was set at 0.05.

**Results:** The present research results suggested that employing parent-child interaction-based play reduced anger ( $p < 0.001$ ), anxiety ( $p < 0.001$ ), negative cognitive emotion regulation ( $p < 0.001$ ), and increased positive cognitive emotion regulation ( $p < 0.001$ ) in the investigated aggressive students in the experimental group, compared to the controls.

**Conclusion:** Parent-child interaction-based play approach is an effective method to increase positive cognitive emotion regulation and to decrease negative cognitive emotion regulation among aggressive students. Therefore, it is suggested that the parents of aggressive students and counseling centers pay particular attention to the effectiveness of the cognitive-behavioral play approach.

**Keywords:** Anxiety, Parent-Child interaction play, Cognitive emotion regulation, Anger.

## اثربخشی کاربرد بازی مبتنی بر تعامل والد- کودک بر خشم، اضطراب و تنظیم شناختی هیجان در دانش‌آموزان پرخاشگر

هایده هجرانی دیارجان<sup>۱</sup>، \*منصوره شهریاری احمدی<sup>۱</sup>، مهناز استکی<sup>۱</sup>، مژگان سپاه‌منصور<sup>۱</sup>، مهدیه صالحی<sup>۱</sup>

توضیحات نویسندگان

۱. گروه روان‌شناسی کودکان استثنایی و عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.  
\*وابانامه نویسنده مسئول: mansure\_shahriari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۷ دی ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۲۰ فروردین ۱۳۹۹

### چکیده

**زمینه و هدف:** در عصر حاضر مشکل پرخاشگری معضلی اساسی در تربیت کودکان ایجاد کرده است و می‌توان احساس خشم و اضطراب و هیجان ناشی از برانگیختگی را به واسطه بازی بر پایه تعامل والد- کودک بهبود بخشید. بازی ابزاری مناسب برای درمانگران کودک جهت مداخله در مشکلات رفتاری مثل پرخاشگری کودکان است؛ لذا هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی کاربرد بازی مبتنی بر تعامل والد- کودک بر خشم و اضطراب و تنظیم شناختی هیجان در دانش‌آموزان پرخاشگر بود. **روش‌بررسی:** روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه گواه بود. نمونه پژوهش ۳۲ دانش‌آموز پرخاشگر با دامنه سنی ۹ تا ۱۳ سال در کلاس‌های سوم تا هفتم مدارس ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بودند که به صورت هدف‌مند انتخاب شدند. از این تعداد ۱۶ نفر در گروه آزمایش و ۱۶ نفر در گروه گواه قرار گرفتند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه خشم (نلسون و فینچ، ۲۰۰۰) و پرسشنامه اضطراب اسپنس (۱۹۹۸) و پرسشنامه تنظیم شناختی هیجانی (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۱) بود. جلسات بازی مبتنی بر تعامل والد- کودک بر اساس راهنمای عملی بازی مبتنی بر تعامل والد- کودک (براتون و لندرت، ۲۰۰۵) در گروه آزمایش طی دوازده جلسه ۹۰ دقیقه‌ای اجرا شد. برای تحلیل داده‌ها، نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ با سطح معناداری ۰/۰۵ و روش تحلیل کوواریانس چندمتغیره و تحلیل کوواریانس تک‌متغیره به کار رفت. **یافته‌ها:** نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد، کاربرد روش بازی مبتنی بر تعامل والد- کودک باعث کاهش خشم ( $p < 0/001$ )، اضطراب ( $p < 0/001$ )، تنظیم شناختی هیجانی منفی ( $p < 0/001$ ) و افزایش تنظیم شناختی هیجانی مثبت ( $p < 0/001$ ) دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش درمقایسه با گروه گواه شده است. **نتیجه‌گیری:** براساس یافته‌های این پژوهش رویکرد بازی مبتنی بر تعامل والد- کودک روشی مؤثر در افزایش تنظیم شناختی هیجانی مثبت و نیز کاهش خشم و اضطراب و تنظیم شناختی هیجانی منفی در دانش‌آموزان پرخاشگر است. **کلیدواژه‌ها:** اضطراب، بازی مبتنی بر تعامل والد- کودک، تنظیم شناختی هیجان، خشم.

امروزه مشکل پرخاشگری<sup>۱</sup> معضلی اساسی در تربیت کودکان ایجاد کرده و راه کنترل آن بسیار دشوار شده است. پرخاشگری احساس درونی و هیجان ناشی از برانگیختگی است که غالباً به واسطه واکنش افراد به رفتارهای نامناسب دیگران ایجاد می‌شود. کودکان در دنیای پیشرفته امروزی به موازات پیشرفت تکنولوژی دچار رفتار پرخاشگرانه شده‌اند. الگوپذیری نامناسب، ناکامی، اضطراب، تضاد درونی و رفتار خشونت‌آمیز همسالان در افزایش پرخاشگری کودکان نقش اساسی دارد (۱). باید گفت خشم<sup>۲</sup> بر کاهش سلامت روان-جسم تأثیرگذار است. هیجان خشم به صورت بیرونی و درونی بوده و اگر کنترل نشود بسیار مضر است. برون‌ریزی خشم باعث تخریب کودکان می‌شود و درون‌ریزی آن صدمات جسمانی-روانی را برای کودکان به دنبال دارد. مطالعات نشان می‌دهد که در کودکان ابراز خشم افزایش یافته است (۲). خشم، هیجانی است که در درون انسان شکل می‌گیرد و می‌تواند منجر به پرخاشگری که کنشی بوده، شود. کودکان هیجان خشم را تجربه می‌کنند و خشم خود را به صورت رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز و به شکل کنترل‌نشده نشان می‌دهند (۳). در دانش‌آموزان پرخاشگر اضطراب<sup>۳</sup> شدیدی وجود دارد. دانش‌آموزان مضطرب نمی‌توانند دانش‌آموزان آرامی باشند. این دانش‌آموزان رفتارهایی پرخاشگرانه از خود بروز می‌دهند. اضطراب در این دانش‌آموزان احساس ناراحتی ایجاد می‌کند و دلهره به وجود می‌آورد. این دلهره و تشویش سبب می‌شود آنان در پاسخ به تحریکات داخلی-خارجی رفتار پرخاشگرانه بروز دهند (۴). در میان دانش‌آموزان پرخاشگر، اضطراب زندگی فردی-اجتماعی را مختل می‌سازد و باعث ناکامی و ایجاد رفتارهای پرخاشگرانه می‌شود. اگر در این دانش‌آموزان شدت اضطراب افزایش یابد، میزان رفتار پرخاشگرانه رشد پیدا می‌کند و سبب تشویش در دانش‌آموزان پرخاشگر می‌شود (۳). از طرفی باید گفت در دانش‌آموزان پرخاشگر، بی‌نظمی هیجانی، سلامت عاطفی و عزت‌نفس آنان را تهدید می‌کند. تنظیم شناختی هیجانی<sup>۴</sup> می‌تواند فرایندهای هیجان‌محور، فرایندهای پردازش شناختی، رشد عاطفی و شناختی را تحت تأثیر قرار دهد. اگر تنظیم شناختی هیجانی به شکل منفی باشد دانش‌آموزان مداوم گرفتار سرکوبگری و نشخوار فکری می‌شوند و نیز رفتار نامناسبی بروز می‌دهند. در افراد دارای پرخاشگری شدید، پذیرش و ارزیابی مثبت و برنامه‌ریزی در سطح ضعیفی است؛ در واقع تنظیم شناختی هیجانی مثبت کمی دارند که منجر به بروز رفتارهای پرخاشگرانه می‌شود (۵). اگر تنظیم شناختی هیجانی ضعیف باشد، ادراک حمایت و شکل‌گیری عزت‌نفس و کارآمدی شخص کاهش می‌یابد و عزت‌نفس کودک مخدوش می‌شود. این روند می‌تواند با افزایش هیجان مثبت و اجتناب از هیجان منفی بهبود یابد (۶). همچنین اگر هیجان منفی تنظیم نشود، بروز خشم و رفتار پرخاشگرانه افزایش می‌یابد. در تحقیقی میچل و همکاران نشان دادند که تنظیم منفی هیجانی با بروز پرخاشگری رابطه مستقیمی دارد و بروز پرخاشگری با تنظیم مثبت هیجانی دارای رابطه معکوسی است (۷).

می‌توان اظهار داشت بازی عنصری مهم در درمانگری است. رابطه عاطفی میان والد-کودک در فرایند بازی امری تأثیرگذار محسوب می‌شود و با بازی، والدین می‌توانند در حد درمانگر شاید هم بیشتر برای فرزندانشان مؤثر باشند. براتون و لندرت معتقدند والدین می‌توانند جانشین خوبی به عنوان درمانگر برای کودکان خود باشند و با آموزش در قالب بازی به درک و پذیرشی مطلوب در ارتباط با رفتار کودک دست یابند (۸). از طرفی تجارب کودکان خصوصاً در دوران دبستان در بازی آن‌ها خلاصه می‌شود (۹). اقدامات بازی والد-کودک رویکردی مؤثر است. تمرکز بازی مبتنی بر رابطه والد-کودک بر بهبود رابطه والد-کودک و خود درونی کودک و توانایی‌های بالقوه او برای بلوغ اشاره دارد (۱۰). بازی تعامل والد-کودک براساس دو نظریه دل‌بستگی و یادگیری اجتماعی پایه‌ریزی شده است. رویکرد تعاملی فرایندی با ساختار مبتنی بر نظریه است. این رویکرد مبتنی بر رویکرد لندرت بوده که می‌توان با این رویکرد، رفتار سازگارانه و مهارت اجتماعی را به دانش‌آموز آموخت (۱۱). با توجه به آنچه بیان شد، پرخاشگری در کودکان رواج روزافزونی داشته است و والدین و مدارس برای کنترل این پرخاشگری که مشکلات متعددی را در زمینه سازگاری به همراه دارد، نیازمند آموزش مناسب هستند. در دانش‌آموزان پرخاشگر به دلیل نبود کنترل مناسب خشم، اضطراب و تنظیم نامناسب هیجان و رفتارهای پرخاشگرانه رخ می‌دهد که موجب ناسازگاری می‌شود. باید بررسی شود که کاربرد بازی والد-کودک چگونه می‌تواند زیربنای خشم و اضطراب و تنظیم شناختی هیجان کودکان پرخاشگر را بهبود بخشد؛ بنابراین هدف این تحقیق بررسی اثربخشی بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک بر کاهش خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی منفی و افزایش تنظیم شناختی هیجانی مثبت در دانش‌آموزان پرخاشگر بود.

## ۲ روش بررسی

در این پژوهش از روش تحقیق نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه استفاده شد. جامعه آماری در پژوهش حاضر تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر پرخاشگر با دامنه سنی ۹ تا ۱۳ سال در کلاس‌های سوم تا هفتم مدارس ابتدایی منطقه پنج و شش شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بودند. نمونه این پژوهش شامل ۳۲ نفر از دانش‌آموزان پرخاشگر بود که براساس جدول کرجسی و مورگان و به صورت نمونه‌گیری هدف‌مند و از طریق غربالگری انتخاب شدند (۱۲). برای تعیین نمونه ملاک ورود به روند پژوهش تعیین گردید و دامنه سنی ۹ تا ۱۳ سال (کلاس‌های سوم تا هفتم) در نظر گرفته شد. ملاک تشخیص پرخاشگری، پرسشنامه پرخاشگری رابطه‌ای-آشکار شهیم بود (۱۳). از دو منطقه پنج و شش و از بین دو مدرسه ابتدایی دخترانه دارالعلم و بنت‌الهدی و یک مدرسه ابتدایی پسرانه خاتم، پس از اعلام فراخوان شرکت در آزمون تشخیصی پرسشنامه پرخاشگری رابطه‌ای-آشکار، ۳۵۱ دانش‌آموز در فراخوان شرکت کردند. از این تعداد ۶۳ دانش‌آموز نمرات بیشتر از نقطه برش (نمره ۴۸ و بیشتر) را از پرسشنامه به دست آوردند و از این تعداد ۳۵ دانش‌آموز ملاک ورود

<sup>۳</sup>. Anxiety

<sup>۴</sup>. Cognitive regulation of emotion

<sup>۱</sup>. Aggressive

<sup>۲</sup>. Anger

را به روند تحقیق داشتند. ۳۵ دانش‌آموز مبتلا به پرخاشگری به صورت هدف‌مند انتخاب شدند. سه نفر از آزمودنی‌ها در همان جلسات ابتدایی از ادامه حضور در جلسات امتناع کردند و روند جلسات مداخله با ۳۲ آزمودنی دنبال شد. از این تعداد ۱۶ نفر در گروه گواه و ۱۶ نفر در گروه آزمایش به‌طور تصادفی قرار گرفتند. قبل از شروع مداخله پرسشنامه‌ها توسط هر دو گروه آزمایش و گواه تکمیل شد. سپس مداخله بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک بر اساس راهنمای عملی بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک براتون و لندرت در گروه آزمایش طی دوازده جلسه ۹۰ دقیقه‌ای به صورت هفته‌ای دو جلسه انجام پذیرفت (۸). پس از اتمام مداخله مجدداً پرسشنامه‌های پژوهش توسط هر دو گروه آزمایش و گواه تکمیل شد. لازم به ذکر است در ابتدای پژوهش از والدین شرکت‌کنندگان رضایت‌نامه کتبی دریافت شد و والدین از موضوع و روش اجرای تحقیق مطلع شدند؛ همچنین به آن‌ها اطمینان داده شد که از اطلاعات خصوصی و شخصی‌شان محافظت می‌شود و مشارکت در تحقیق هیچ‌گونه بار مالی برای شرکت‌کنندگان ندارد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه خشم کودکان<sup>۱</sup> و پرسشنامه اضطراب اسپنس<sup>۲</sup> و

پرسشنامه تنظیم شناختی هیجانی<sup>۳</sup> بود.

پرسشنامه خشم کودکان نلسون: پرسشنامه خشم کودکان ابزار خودگزارشی است که توسط نلسون و فینچ در سال ۲۰۰۰ ساخته شد (۱۴). این پرسشنامه شامل ۳۹ عبارت و چهار زیرمقیاس ناکامی، پرخاشگری بدنی، روابط با همسالان و روابط با مراجعه قدرت است که در قالب چهار گزینه توجه نمی‌کنم=۱، مرا آزار می‌دهد=۲، واقعاً ناراحت می‌شوم=۳ و عصبانی می‌شوم=۴ نمره‌گذاری می‌شود. حداقل نمره ۳۹ و حداکثر نمره ۱۵۶ است (۱۵). روایی و پایایی پرسشنامه در مطالعات داخل و خارج کشور به تأیید رسیده است. این پرسشنامه در خارج از کشور توسط نلسون و همکاران بر ۱۶۰۴ نفر از دانش‌آموزان اجرا شد و نتایج ضریب بازآزمایی ۰/۷۵ تا ۰/۷۸ و ثبات درونی ۰/۸۵ تا ۰/۸۶ و روایی چهار زیرمقیاس ۰/۹۳ بود. همچنین روایی چهار زیرمقیاس ۰/۹۳ گزارش شد (۱۴). در ایران نیز روایی پرسشنامه توسط مسلمان از طریق همبستگی با پرسشنامه پرخاشگری برابر ۰/۴۴ به دست آمد که نشان از روایی مطلوب پرسشنامه دارد (۱۶).

جدول ۱. بازی مبتنی بر رابطه والد-کودک براتون و لندرت (۸)

جلسات	برنامه مداخله	هدف	زمان
اول	ابراز احساس از طریق عکس، پانتومیم.	شناسایی احساسات	۹۰ دقیقه
دوم	آموزش تن‌آرامی عضلانی به مادر و شناسایی احساسات (عکس، پانتومیم).	آرام‌سازی محیط بازی کودک	۹۰ دقیقه
سوم	بازی قصه کلمه احساسی.	بازنگری احساس و برانگیختگی	۹۰ دقیقه
چهارم	بازی کلمه قصه مرا حدس بزن.	بروز خلاقیت	۹۰ دقیقه
پنجم	تمرین نقاشی دادن، بازخورد به مادر (کشف احساسات کودک راجع به مسائل مختلف).	شناسایی و آگاه‌سازی مادر از احساسات کودک	۹۰ دقیقه
ششم	بازی حباب هیجان با مادر.	کنترل هیجان	۹۰ دقیقه
هفتم	تصویرسازی دشت سبز.	بروز هیجان و کنترل خشم	۹۰ دقیقه
هشتم	بازی کودک محور با عروسک‌های دستی خانواده و حیوانات.	کنترل اضطراب	۹۰ دقیقه
نهم	بازی کودک با وسایل پزشکی با کمک مادران و رهاسازی خشم، آموزش راه‌های کنارآمدن یا حل دغدغه، کنترل پذیر بودن یا نبودن آن‌ها، افزایش مهارت مادر در کنترل پرخاشگری.	کنترل خشم و متعادل‌سازی سطح اضطراب	۹۰ دقیقه
دهم	رهاسازی خشم، آموزش راه‌های کنارآمدن رهاسازی خشم، آموزش راه‌های کنارآمدن، حل دغدغه‌ها، کنترل پذیر بودن یا نبودن آن‌ها، افزایش مهارت مادر در کنترل پرخاشگری.	مدیریت خشم کودک و کنترل استرس‌ها	۹۰ دقیقه
یازدهم	دادن بازخورد به مادر در تخلیه هیجانی، آشکارسازی دغدغه‌های کودک در رابطه با خشم، افزایش هیجان مثبت، صحبت راجع به آرزوها، فانتزی‌های دوست‌داشتنی کودک-مادر، ارتقای آگاهی درباره ارتباطات بازی با بچه‌ها.	تنظیم هیجانی کودک	۹۰ دقیقه
دوازدهم	مرور جلسات، نظرخواهی، ارائه پیشنهادها نهایی به مادران.	جمع‌بندی جلسات	۹۰ دقیقه

تشخیصی و آماری DSM-IV در استرالیا طراحی شد. پرسشنامه اسپنس دارای دو نسخه کودک (۴۵ ماده) و والد (۳۸ ماده) است.

پرسشنامه اضطراب اسپنس: این پرسشنامه در سال ۱۹۹۸ توسط اسپنس برای ارزیابی اضطراب کودکان ۸ تا ۱۵ ساله بر اساس طبقه‌بندی

3. Cognitive Emotion Regulation Questionnaire

1. Children's Inventory of Anger

2. Spence Children's Anxiety Scale

نمره‌گذاری براساس مقیاس چهاردرجه‌ای لیکرتی هرگز (۰)، گاهی اوقات (۱)، اغلب (۲) و همیشه (۳) تنظیم شده است و شش مقیاس اضطراب جدایی، اضطراب اجتماعی، وسواس فکری-عملی، پنیک-بازارهراسی، اضطراب فراگیر و ترس از صدمات جسمانی را می‌سنجد (۱۷). اسپنس پایایی مقیاس را برای اضطراب عمومی برابر با ۰/۹۲ و برای خرده‌مقیاس‌ها ۰/۶۰ تا ۰/۸۲ گزارش کرد (۱۷). روایی این پرسشنامه در تحقیق ضرغامی و همکاران از طریق همبستگی ۰/۴۴ به‌دست آمد. همچنین پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۴ گزارش شد (۱۸).

- پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان: مقیاس تنظیم شناختی هیجان توسط گارنفسکی و همکاران در سال ۲۰۰۱ در کشور هلند تهیه شد و دو نسخه انگلیسی و هلندی دارد. این پرسشنامه به‌منظور استفاده در جامعه کودکان تدوین شده است (۱۹). ۳۶ ماده دارد و از دو خرده‌مقیاس تنظیم شناختی هیجانی مثبت و تنظیم شناختی هیجانی منفی تشکیل شده است. دامنه نمرات مقیاس از یک (تقریباً هرگز) تا پنج (تقریباً همیشه) است. مقیاس تنظیم شناختی هیجانی منفی ۱۶ ماده و تنظیم شناختی هیجانی مثبت ۲۰ ماده را در بر می‌گیرد (۱۹). در بررسی مشخصات روان‌سنجی آزمون، گارنفسکی و همکاران پایایی آزمون را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به‌ترتیب برابر ۹۱ درصد و ۸۷ درصد و ۹۳ درصد به‌دست آوردند و روایی آن باتوجه به تحلیل عاملی معتبر است (۱۹). مشهدی و همکاران روایی را از طریق ضرایب همبستگی با فرم بزرگسالان برای زیرمقیاس‌ها از ۰/۴۲ تا ۰/۵۷ و برای کل ۰/۴۹ گزارش کردند. همچنین پایایی پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها ۰/۷۶ و ۰/۹۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۶ به‌دست آوردند (۲۰).

بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک: این مداخله روشی بوده که تمرکز بازی آن بر بهبود تعامل والد-کودک است. عمده اهداف برای والدین شامل درک و پذیرش جهان عاطفی کودک، کسب نگرشی واقع‌بینانه درباره خود و کودک، افزایش بینش، آگاهی والدین از خود در ارتباط با کودک، یادگیری‌های بازی کودک محور، چگونگی ایجاد جو غیرقضاوتی، پذیرنده و همراه درک متقابل برای کودک و نهایتاً کمک به والدین جهت لذت‌بردن از ایفای نقش والدینی است. چارچوب نظری این بازی بر پایه نظریه روان‌تحلیلگری لندرت ازجمله رویکردهای تعاملی و نیز زیرمجموعه روش‌های فرزندپروری است (۸). شرح جلسات بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، نرم‌افزار کامپیوتری SPSS نسخه ۲۲ با سطح معناداری ۰/۰۵ به‌کار رفت. همچنین از شاخص‌های آمار توصیفی میانگین، انحراف معیار، آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، آزمون بررسی پیش‌فرض همگنی شیب‌های رگرسیون، آزمون لوین، تحلیل کوواریانس چندمتغیره و تحلیل کوواریانس تک‌متغیره استفاده شد.

### ۳ یافته‌ها

در پژوهش حاضر دانش‌آموزان دختر و پسر هرکدام ۵۰ درصد از نمونه تحقیق را تشکیل دادند. در گروه آزمایش ۱۶ دانش‌آموز دختر و پسر و

در گروه گواه نیز ۱۶ دانش‌آموز دختر و پسر شرکت داشتند. همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود میانگین متغیرهای خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و تنظیم شناختی هیجانی منفی در پس‌آزمون درمقایسه با پیش‌آزمون در گروه آزمایش کاهش درخور توجهی دارد؛ درحالی‌که در گروه گواه تغییر چشمگیری دیده نمی‌شود. برای بررسی معناداری این تفاوت‌ها، آزمون آنالیز کوواریانس به‌کار رفت. پیش از انجام این آزمون ابتدا پیش‌فرض‌های آن بررسی شد. پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمرات در پیش‌آزمون و در هر دو گروه توسط آزمون کولموگروف-اسمیرنوف کنترل و تأیید گردید ( $p > 0.05$ ). در آزمون بررسی پیش‌فرض همگنی شیب‌های رگرسیون مشخص شد، مقدار تعامل برای متغیرهای خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و تنظیم شناختی هیجانی منفی در این تحقیق معنادار نبود ( $p > 0.05$ ) و مفروضه همگنی رگرسیون برقرار است.

بررسی آزمون لوین در متغیرهای خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و تنظیم شناختی هیجانی منفی معنادار نبود ( $p > 0.05$ )؛ بنابراین واریانس گروه آزمایش و گروه گواه در متغیرهای خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و تنظیم شناختی هیجانی منفی معنادار نبود؛ در نتیجه فرض ناهمگنی واریانس‌ها رد شد.

نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره بر میانگین نمرات پس‌آزمون خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و تنظیم شناختی هیجانی منفی گروه‌های آزمایش و گواه با کنترل پیش‌آزمون بیانگر آن بود که بین دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش و گواه از لحاظ متغیرهای خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و منفی تفاوت معناداری وجود دارد ( $F=93.01, p < 0.001$ ). میزان تأثیر برابر با ۰/۹۴ بود. به عبارت دیگر، ۹۴ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و منفی دانش‌آموزان پرخاشگر مربوط به تأثیر کاربرد روش بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک بوده است. همچنین از تحلیل کوواریانس تک‌متغیره برای مقایسه نمرات پس‌آزمون خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و تنظیم شناختی هیجانی منفی بین گروه‌های آزمایش و گواه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آورده شده است.

همان‌گونه که در جدول ۲ مشخص است، با کنترل پیش‌آزمون بین دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ خشم تفاوت معناداری وجود دارد ( $p < 0.001$ ). به عبارت دیگر، کاربرد روش بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک باتوجه به میانگین خشم دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش درمقایسه با میانگین گروه گواه، موجب کاهش میزان خشم دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر برابر با ۰/۹۰۲ به‌دست آمد؛ به عبارت دیگر ۹۰/۲ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون خشم دانش‌آموزان پرخاشگر مربوط به تأثیر کاربرد روش بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک است.

همچنین، با کنترل پیش‌آزمون بین دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ اضطراب تفاوت معناداری مشاهده شد ( $p < 0.001$ ). به عبارت دیگر، کاربرد روش بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک باتوجه به میانگین اضطراب دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش درمقایسه با میانگین گروه گواه، سبب کاهش میزان اضطراب

دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر برابر با ۰/۸۴۴ به‌دست آمد؛ به عبارت دیگر ۸۴/۴ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون اضطراب دانش‌آموزان پرخاشگر مربوط به تأثیر کاربرد روش بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی مثبت و تنظیم شناختی هیجانی منفی در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون به‌تفکیک دو گروه آزمایش و گواه به‌همراه نتایج آنالیز کوواریانس

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		مقایسه پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	مقدار p
خشم	آزمایش	۱۴۴/۳۱۴	۹/۲۴۷	۴۶/۱۸۳	۶/۴۱۳	۲۳۸/۵۰۳	<۰/۰۰۱
	گواه	۱۲۵/۴۳۸	۱۲/۴۲۶	۱۲۷/۸۸۷	۱۴/۷۶۴		
اضطراب	آزمایش	۱۲۰/۸۱۵	۱۰/۸۱۱	۴۱/۵۶۳	۱۵/۰۲۰	۱۴۳/۹۸۱	<۰/۰۰۱
	گواه	۱۱۵/۴۴۰	۹/۴۳۱	۱۱۶/۹۴۲	۱۳/۱۶۱		
تنظیم شناختی هیجانی مثبت	آزمایش	۳۳/۶۸۱	۷/۱۰۱	۷۴/۸۱۵	۶/۸۰۱	۱۳۸/۲۴۴	<۰/۰۰۱
	گواه	۳۶/۹۳۳	۷/۳۷۲	۳۵/۵۰۶	۶/۵۵۴		
تنظیم شناختی هیجانی منفی	آزمایش	۶۲/۶۸۰	۷/۵۶۶	۲۹/۵۶۱	۷/۵۷۸	۵۳/۲۰۱	<۰/۰۰۱
	گواه	۶۱/۳۱۴	۷/۲۹۰	۵۸/۵۰۷	۷/۳۵۴		

افزایش تنظیم شناختی هیجانی مثبت دانش‌آموزان پرخاشگر در گروه آزمایش شد. نتیجه به‌دست‌آمده با مطالعات پارون و مار که نتیجه گرفتند بازی والد-کودک بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان پرخاشگر تأثیر معناداری دارد (۱۰) و باگیری و پارکر که نشان دادند بازی والد-کودک بر کاهش اضطراب مؤثر است (۱۱) و روزنبرگ و همکاران که دریافتند بازی والد-کودک بر میزان راهبرد تنظیم شناختی هیجانی مثبت و منفی تأثیر دارد و این بازی سبب افزایش تنظیم شناختی مثبت هیجانی و کاهش تنظیم شناختی منفی هیجانی کودکان شده (۲۱)، همسوست. در تبیین این یافته باید گفت، خشم در دانش‌آموزان پرخاشگر، مشکل حادی است که ترکیبی از معضلات ازقبیل مشکل در حفظ کنترل خشم و مشکلات رفتاری بوده و نیاز به کنترل دارد. کاربرد روش تعامل والد-کودک بر اساس دو نظریه دل‌بستگی و یادگیری اجتماعی پایه‌ریزی شده و با ترکیب دو رویکرد و با توجه به حضور والد در فرایند بازی سبب شده است عزت‌نفس کم و مشکل در ارتباط برقرارکردن و عملکرد رفتاری ضعیف در این دانش‌آموزان که از عوامل بروز خشم بوده، کاهش یابد. اریکسون و سالی تعامل والد-کودک را موجبات محیطی اساساً ایمن و رضایت‌آمیز تلقی می‌کنند که در این محیط والد پاسخ‌گویی مطمئن و امن برای نیازها است (۱۵). بدین‌ترتیب این مدل بازی با تکیه بر تعامل والد-کودک و درگیرکردن والد در بازی سبب تحول روانی-اجتماعی و تعامل بهینه با والد می‌شود؛ همچنین بروز حالت هیجانی خشم را که موجب بروز پرخاشگری شده، کنترل می‌کند (۸). بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک برنامه‌ای آموزشی خوب برای والدین است؛ ازآنجاکه هدفش افزایش گرمی و پذیرش و تعاملات مثبت والدین با فرزند خود بوده، موجب می‌شود دل‌بستگی ایمن بین والدین و دانش‌آموزان پرخاشگر بهبود یابد. این گرمی و دل‌بستگی بهبودیافته در جلسات بازی تعامل والد-کودک به احساس امنیت در دانش‌آموزان پرخاشگر کمک کرد و در دانش‌آموزان پرخاشگر میزان خشم کاهش یافت (۸). با توجه به رویکرد

علاوه‌براین، با کنترل پیش‌آزمون بین دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ تنظیم شناختی هیجانی مثبت تفاوت معناداری وجود داشت ( $p < 0/001$ ). به عبارت دیگر، کاربرد روش بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک با توجه به میانگین تنظیم شناختی هیجانی مثبت دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش درمقایسه با میانگین گروه گواه، موجب افزایش میزان تنظیم شناختی هیجانی مثبت دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش شده است. میزان تأثیر برابر با ۰/۸۳۵ بود؛ به عبارت دیگر ۸۳/۵ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون تنظیم شناختی هیجانی مثبت دانش‌آموزان پرخاشگر مربوط به تأثیر کاربرد روش بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک است. درنهایت، با کنترل پیش‌آزمون بین دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش و گروه گواه از لحاظ تنظیم شناختی هیجانی منفی تفاوت معناداری دیده شد ( $p < 0/001$ ). به عبارت دیگر، کاربرد روش بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک با توجه به میانگین تنظیم شناختی هیجانی منفی دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش درمقایسه با میانگین گروه گواه، موجب کاهش میزان تنظیم شناختی هیجانی مثبت دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش شد. میزان تأثیر برابر با ۰/۶۷۵ بود؛ به عبارت دیگر ۶۷/۵ درصد تفاوت‌های فردی در نمرات پس‌آزمون تنظیم شناختی هیجانی منفی دانش‌آموزان پرخاشگر مربوط به تأثیر کاربرد روش بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک است.

#### ۴ بحث

هدف این تحقیق بررسی اثربخشی کاربرد روش بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک بر خشم و اضطراب و تنظیم شناختی هیجانی در دانش‌آموزان پرخاشگر بود. در پژوهش حاضر تعیین شد، کاربرد روش بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک با توجه به میانگین خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی منفی و تنظیم شناختی هیجانی مثبت دانش‌آموزان پرخاشگر گروه آزمایش درمقایسه با میانگین گروه گواه، موجب کاهش میزان خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی منفی و

مراکز تخصصی بازی از بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک به دلیل اثربخشی در کاهش اضطراب، خشم، تنظیم شناختی هیجانی منفی و افزایش تنظیم شناختی هیجانی مثبت استفاده بهینه‌تری نمایند.

#### ۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این پژوهش، بازی والد-کودک با ایجاد و تقویت دل‌بستگی ایمن، بهبود رابطه اجتماعی مناسب، تغییر کیفیت روابط والد-کودک و رشد هیجانی-کارکردی در قالب بازی با والد، روشی مؤثر در کاهش خشم، اضطراب، تنظیم شناختی هیجانی منفی و بهبود تنظیم شناختی هیجانی مثبت در دانش‌آموزان پرخاشگر است؛ بنابراین باید اظهار داشت رویکرد بازی والد-کودک مداخله مؤثری در کاهش مشکلات شناختی و هیجانی دانش‌آموزان پرخاشگر است.

#### ۶ تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله نویسندگان مقاله از همه مسئولان و والدین دانش‌آموزان مدارس مناطق ۵ و ۶ شهر تهران که در انجام این پژوهش کمال همکاری را داشتند، تقدیر و تشکر می‌نمایند.

#### ۷ بیانیه

این مقاله از رساله دکتری تخصصی رشته روان‌شناسی با کد ۱۰۱۲۰۷۰۷۹۷۲۲۰۲۶ استخراج شده است.

یادگیری اجتماعی و دل‌بستگی، بازی مبتنی بر تعامل والد-کودک موجب شد والد با دانش‌آموزان پرخاشگر با گرمی و توجه و به‌شیوه پاسخ‌گرانه تعامل داشته باشد؛ همچنین در ارتباط با آن‌ها به‌عنوان سرمشق‌های رفتار اجتماعی عمل کند تا آنان بتوانند نقش‌های اجتماعی را از این طریق فراگیرند و درنهایت به خودنظم‌دهی برسند (۱۱)؛ لذا والد یاد گرفت مهارت‌های سازگاری را هنگام بازی با فرزندش به‌کار برد و سطح اضطراب فرزندش را با این شکل از بازی کاهش دهد. بازی تعامل والد-کودک، پاسخ‌های والدین را به اضطراب که باعث حفظ و نگهداری اختلالات اضطرابی در دانش‌آموزان شده، با ایجاد الگوهای تقویت مثبت در قالب بازی بهبود بخشید (۱۰). باید اشاره کرد در بازی والد-کودک تکنیک بازی حباب هیجان با والد، به دانش‌آموزان اجازه داد تا تعاملات هیجانی خود را هدایت کنند. این بازی احساس کنترل هیجان را در آنان پرورش داد و موجب رشد روان‌شناختی تنظیم هیجان مثبت شد. در بازی والد-کودک ارتباط عاطفی بین فرزند-والد کلید اثربخشی این روش است؛ بنابراین در بازی تعامل والد-کودک تعامل مناسب والد-کودک سبب می‌شود، والد به پایگاه امنی جهت تجربه دنیای بیرونی برای دانش‌آموزان پرخاشگر تبدیل شود. نبود کنترل متغیرهای اجتماعی-خانوادگی و اقتصادی مهم و مؤثر بر متغیرهای تحقیق از محدودیت‌های پژوهش بود. در انتها پیشنهاد می‌شود، والدین دانش‌آموزان پرخاشگر و مراکز مشاوره، توجه ویژه‌ای به اثربخشی رویکرد بازی شناختی-رفتاری داشته باشند؛ همچنین

## References

1. Snyder J, Stoolmiller M, Wilson M, Yamamoto M. Child anger regulation, parental responses to children's anger displays, and early child antisocial behavior. *Social Development*. 2003;12(3):335-60. doi: [10.1111/1467-9507.00237](https://doi.org/10.1111/1467-9507.00237)
2. Staicu M-L, Cuțov M. Anger and health risk behaviors. *J Med Life*. 2010;3(4):372-5. doi: [10.1037/a0029788](https://doi.org/10.1037/a0029788)
3. Ghodousi N, Sajedi F, Mirzaie H, Rezasoltani P. The effectiveness of cognitive-behavioral play therapy on externalizing behavior problems among street and working children. *Iranian Rehabilitation Journal*. 2017;15(4):359-66. [Persian] doi: [10.29252/nrip.irj.15.4.359](https://doi.org/10.29252/nrip.irj.15.4.359)
4. Steffgen G. Anger Management - Evaluation of a cognitive-behavioral training program for table tennis players. *J Hum Kinet*. 2017;55:65-73. doi: [10.1515/hukin-2017-0006](https://doi.org/10.1515/hukin-2017-0006)
5. Davenport BR, Bourgeois NM. Play, aggression, the preschool child, and the family: A review of literature to guide empirically informed play therapy with aggressive preschool children. *International Journal of Play Therapy*. 2008;17(1):2-23. doi: [10.1037/1555-6824.17.1.2](https://doi.org/10.1037/1555-6824.17.1.2)
6. Vandekerckhove M, Scheve C, Ismer S, Jung S, Kronasts S. *Regulating Emotions: Culture, Social Necessity, and Biological Inheritance*. Malden, MA: Blackwell Pub; 2016.
7. Mischel W, Ayduk O. Willpower in a Cognitive-Affective Processing System: The Dynamics of Delay of Gratification. In: Vohs KD, Baumeister RF. *Handbook of Self-Regulation: Research, Theory, and Applications*. New York: The Guilford Press; 2004. pp: 99-129.
8. Bratton S, Landreth GL. *Child-Parent Relationship Therapy (CPRT) Treatment Manual: An Evidence-Based 10-Session Filial Therapy Model*. Routledge; 2005.
9. Knell SM. Cognitive-behavioral play therapy. *J Clin Child Psychol*. 1998;27(1):28-33. doi: [10.1207/s15374424jccp2701\\_3](https://doi.org/10.1207/s15374424jccp2701_3)
10. Blanco PJ, Muro JH, Holliman R, Stickley VK, Carter K. Effect of child-centered play therapy on performance anxiety and academic achievement. *Journal of Child and Adolescent Counseling*. 2015;1(2) 66-80. doi: [10.1080/23727810.2015.1079117](https://doi.org/10.1080/23727810.2015.1079117)
11. Kristie KO, Bratton SC. The efficacy of child parent relationship therapy for adoptive families: A replication study. *Journal of Counseling & Development*. 2018;96(2):155-166. doi: [10.1002/jcad.12189](https://doi.org/10.1002/jcad.12189)

12. Krejcie RV, Morgan DW. Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*. 1970; 30(3): 607–610. doi: [10.1177/001316447003000308](https://doi.org/10.1177/001316447003000308)
13. Shahim S. Relational Aggression in Preschool Children. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 2007;13(3):264–71. [Persian] <http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-272-en.pdf>
14. Nelson WM, Finch AJ. Children’s Inventory of Anger: ChIA Manual. Western Psychological Services; 2000.
15. Ericsson S, Sally B. Children’s ongoing and relational negotiation of informed assent in child–researcher, child–child and child–parent interaction. *Childhood*. 2017; 24(3): 300–315. doi:[10.1177/0907568216688246](https://doi.org/10.1177/0907568216688246)
16. Mosalman A. The relationship between anger severity and emotional distress with aggression among aggressive children [Thesis for M.Sc]. [Ahwaz, Iran]: Islamic Azad University, Ahwaz Branch; 2013. [Persian]
17. Spence SH. A measure of anxiety symptoms among children, *Behaviour Research and Therapy*. 1998; 36(5): 545-566. doi: [10.1016/S0005-7967\(98\)00034-5](https://doi.org/10.1016/S0005-7967(98)00034-5)
18. Zarghami F, Heidari Nasab L, Shaeiri MR, Shahrivar Z. A study in the impact of Coping-Cat-based Cognitive-Behavior Therapy (CBT) on reduced anxiety in the children aged 8 to 10 with anxiety disorder. *Clinical Psychology Studies*. 2015;5(19):183–202. [Persian] [http://jcps.atu.ac.ir/article\\_1514\\_ae018037ab48e5b39bab379c49841eea.pdf](http://jcps.atu.ac.ir/article_1514_ae018037ab48e5b39bab379c49841eea.pdf)
19. Garnefski N, Kraaij V, Spinhoven Ph. Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. *Personality and Individual Differences*. 2001;30:1311–27. doi: [10.1016/S0191-8869\(00\)00113-6](https://doi.org/10.1016/S0191-8869(00)00113-6)
20. Mashhadi A, Hasani J, Mirdoraghi F. Factor structure, reliability and validity of Persian version of the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire-children form (CERQ-K-P). *Journal of Fundamentals of Mental Health*. 2012;14(55):59–246. [Persian] doi: [10.22038/jfmh.2013.942](https://doi.org/10.22038/jfmh.2013.942)
21. Rothenberg WA, Weinstein A, Dandes EA, Jent JF. Improving Child Emotion Regulation: Effects of Parent–Child Interaction-therapy and Emotion Socialization Strategies. *J Child Fam Stud*. 2019;28(3):720–31. doi: [10.1007/s10826-018-1302-2](https://doi.org/10.1007/s10826-018-1302-2)